



اخبار مؤسسه: اهمیت خانواده در اسلام، و علل فروپاشی آن در غرب

۷۸۳۱ فلسفه و کلام :: نشریه کلام اسلامی :: زمستان ۸۶ (ISC)

۱۹۷ از ۵۸ شماره

آدرس : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/۵۷۲۴۳۹>

ثابت

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

## اهمیت خانواده در اسلام، و علل فروپاشی آن در غرب

در آذرماه سال جاری (۱۳۸۷) سمیناری تحت عنوان «بهداشت خانواده» در تهران برگزار شد قبلاً نیز در کشور اندونزی به همان عنوان برگزار شده بود و جمعیت قابل ملاحظه‌ای از علما و دانشمندان اندونزی از مرد و زن در این سمینار، شرکت کرده بودند این جمعیت، روزی هم به قم آمده و در مؤسسه امام صادق علیه السلام با آیت الله سبحانی دیداری داشتند و از ایشان درخواست کردند که درباره اهمیت خانواده در اسلام و علل فروپاشی خانواده در غرب که موج آن به شرق نیز رسیده سخنرانی کند.

معظم‌له پس از تکریم مقدم میهمانان، سخنانی به این شرح ایراد کردند:

موضوع سخن همان طوری که سخنگوی محترم جمعیت، بیان کرد، مسأله اهمیت خانواده در اسلام، و علل فروپاشی آن در غرب، است.

خانواده در اسلام، از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است، زیرا جامعه بزرگ، از جامعه‌های کوچک تشکیل می‌یابد و هر خانواده هسته‌ای است

بسم الله الرحمن الرحيم

قَالَ اللهُ تَعَالَى: ﴿وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبثَ لَا يَخْرِجُ إِلَّا نَجِسًا كَذَلِكَ نَصْرَفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ﴾<sup>(۱)</sup>

«سرزمین پاکیزه گیاهش به فرمان خدا می‌روید، اما سرزمین‌های بدطیبت (شوره زار) جز گیاهی بی‌ارزش، بر نمی‌آورد، ما آیات خود را برای آن گروه که سپاسگزارند،

بیان می‌کنیم.»

برای این پدیده بزرگ و اگر اساس و بنیان جامعه سالم نباشند، قهراً آن پدیده بزرگ نیز آسیب می بیند.

مسأله تربیت، در تمام جهان، از اهمیت شایانی برخوردار است، و شالوده تربیت در نظر آنان از دوران کودکی در خانواده شکل می گیرد، در حالی که شالوده تربیت در اسلام، به دوره های قبل از تولد باز می گردد، مثلاً در اسلام سفارش شده که در انتخاب همسر، دقت شود که مبدا میوه ازدواج، میوه ناسالمی باشد. در حدیثی آمده است که پیامبر فرمود:

«إِيَّاكُمْ وَخَضِرَاءَ الدَّمَنِ، قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَا خَضِرَاءُ الدَّمَنِ؟ قَالَ: الْمَرْأَةُ الْحَسَنَاءُ فِي مَنْبَتِ سُوءٍ».

«فرمود: از گیاهانی که در نقاط آلوده می روید بپرهیزید، عرض کردند: مقصود چیست؟ فرمود: زن زیبایی که در یک خانواده آلوده پرورش یابد».

پس از دقت در گزینش همسر، نوبت لحظه های آمیزش جنسی، و دوران بارداری، و شیرخواری می رسد که در آنها شالوده شخصیت انسان ریخته می شود که در اسلام در مورد همه اینها راهنماییها و توصیه هایی شده است.

از آنجا که گفتگو درباره شیوه تربیت در اسلام، موضوع گسترده ای است، ما به همین اندازه بسنده کرده و به طور فشرده به علل فروپاشی خانواده در غرب اشاره می کنیم:

تزلزل خانواده، در غرب، عللی دارد که شاید نتوان همه را در اینجا بازگو نمود، ولی به برخی از آنها که بارز و روشن است، اشاره می نمایم:

### ۱. معاشرت آزاد زنان و مردان

بقای خانواده، و استمرار زناشویی و دوری از اندیشه طلاق در گرو این است که زن و مرد جاذبه نخستین خود را نسبت به یکدیگر، از دست نداده، و گرمی روابط خود را حفظ کنند، و این در صورتی است که مرد، در مسائل مربوط به زناشویی جز به همسر خود، فکر نکند، و همچنین زن نیز در مسائل التذاذ و غیره، فقط چشم به شوهر بدوزد. در چنین شرایطی است که پیوند ازدواج، از استحکام بیشتری برخوردار می باشد، ولی معاشرتهای بی حساب و کتاب زن و مرد، در غرب، جاذبه های همسران را کاهش داده و زن و شوهر به غیر از همسر، با دیگران نیز، معاشرت دارند،

که به آن اشاره شد به این درخواست کمک می‌کند که با هم توافق کنند که از هم جدا بشوند.

از آنجا که گرایش به تولید مثل نیز در غرب بسیار کم است، وجود بچه مشکل‌زا نبوده و در صورت داشتن بچه نیز با فرستادن آنها به مراکز نگهداری کودکان، گره را می‌گشایند.

### ۳. از بین رفتن پیوندهای عاطفی

پیوند عاطفی خواه از جانب کودکان و خواه از جانب پدر و مادر، مولود همزیستی ممتد و پیوسته در یک خانواده است، هرگاه این همزیستی ممتد کاهش یابد، قهراً عاطفه کمتر رشد کرده و کم فروغ می‌گردد.

خانواده‌ای که فرزند خود را سالیان درازی در دامان خود پرورش دهد و تا دوران بلوغ و پس از آن با وی زندگی کند در چنین خانواده، عاطفه رشد بیشتری کرده و به صورت یک درخت ریشه‌دار درمی‌آید و هیچ‌گاه پدر و مادر از فرزندان دست نکشیده و فرزندان نیز آنها را فراموش نمی‌کنند، ولی در غرب به علت اشتغال مادران در مراکز کار، نیمی از شبانه‌روز، از دیدار کودک محروم هستند

بالاخره روحیه تنوع‌طلبی، در مرد وزن، وجود دارد و قهراً این نوع روحیه، علائق و پیوند دیرینه را سست‌تر می‌سازد. اسلام به خاطر همین پیامدهای ناخوشایند، معاشرت دو جنس مخالف را محدود و در حد ضرورت، و در چهارچوب مقررات خاص، و با یک سلسله تعهدهای متقابل، آن را تجویز کرده است.

### ۲. استقلال مالی زنان

زنان غالباً در غرب، دوشادوش مردان، در کارگاه‌ها، کارخانه‌ها و ادارات و شرکت‌ها و مراکز آموزشی و غیره مشغول کارند، و هر کدام سر ماه با مبلغ قابل توجهی، به خانه باز می‌گردند، و زن در چنین شرایطی با داشتن حقوق کافی، احساس نیاز به درآمد شوهر نکرده و یک نوع استقلال مالی برای خود، قائل می‌شود و تصور می‌کند که اگر روزی پیوند زناشویی از هم گسست او نیازی به شوهر نخواهد داشت و می‌تواند روی پای خود بایستد. همین اندیشه سبب می‌شود که در پیشامدهای جزئی و رنجش‌های قابل گذشت، اصرار بر طلاق کند. از طرف دیگر تنوع‌طلبی نیز

من مریضم و در فلان بیمارستان بستری شده‌ام، از من عیادت کنید. من بلافاصله به بیمارستان رفتم و از پروفیسور دیدار کردم. بولتن پزشکی او حاکی از آن بود که وی دچار سرطانی حادّ است، در کنارش نشستم، او با کمال تأسف این خبر را بازگو کرد و گفت:

همسر من از وضع بیماری من آگاه شده و امروز آمد با من خداحافظی کرد و رفت، و به من چنین گفت: از آنجا که بیماری تو علاج‌پذیر نیست، من از تو جدا می‌شوم، تا به وضع زندگی خود برسم.

شما این همسر را که سالیان درازی با این پروفیسور زندگی کرده با بانوی بزرگ اسلام، خدیجه کبری علیها السلام مقایسه کنید. او تمام شخصیت اجتماعی و ثروت خود را در اختیار شوهر نهاد و حاضر شد در راه شوهر، تن به محاصره اقتصادی بدهد و گرسنگی را تحمل کند. زیرا او شیفته اسلام و شوهر خود نیز بود که مظهر عاطفه و اخلاق به شمار می‌رفت.

#### ۴. زندگی مستقل زودرس

شکی نیست که باید پدران و مادران،

و کودکان نیز کمتر آنها را می‌بینند، از این جهت نور عاطفه در دلها کم فروغ می‌باشد.

شیر دادن مادر و پرورش فرزند در آغوش مادر و بازی مادر در دوران کودکی با دلبنده خود، سبب رشد عاطفه، در طرفین می‌گردد، ولی آنگاه که کودک از شیر مادر، محروم باشد، و با شیر خشک، آن هم دور از مادر پرورش پیدا کند، عاطفه ضعیف‌تر و ناتوان‌تر می‌شود، لحظه‌ای که از خود، احساس استقلال کرد، به جدایی تن می‌دهد.

در اینجا، داستانی را نقل می‌کنم که خطیب شهیر، مرحوم فلسفی آن را تعریف کرد. فرمود: من برای معالجه به کشور آلمان رفتم و میهمان نماینده دینی آیه الله بروجردی، یعنی جناب آقای محقق بودم. مرحوم محقق تعریف کرد و گفت: بر اثر مذاکره با دانشمندان آلمانی، گاهی موفق می‌شویم که برخی از آنها را به اسلام مشرف سازیم، بر اثر همین گفتگوها یکی از پروفیسورهای آلمانی، اسلام آورد و با ما رفت و آمدی داشت، ولی مدتی بود از او خبری نداشتم، ناگهان تلفن زنگ زد، دیدم صدای ضعیف ایشان است که می‌گوید:

ایفا می‌کند. مثلاً اعتقاد به این که خدمت به پدر و مادر و یا بدرفتاری با آنها، در این جهان، در جهان دیگر بازتاب دارد. - این نوع اعتقاد - مایه جوشش عواطف و حفظ پیوند خانوادگی می‌شود. فرزندی که سخن پیامبر اسلام ﷺ را که می‌گوید: «بهشت زیر پای مادران است»، سرلوحه زندگی خود قرار دهد هیچ‌گاه مادر را فراموش نمی‌کند. و همچنین اعتقاد به «صله رحم» و آثار مثبت آن، در زندگی دو جهان و همچنین «قطع رحم» و آثار ویرانگر آن، سبب می‌شود که افراد یک خانواده به هم نزدیکتر شوند، ولی جامعه‌ای که غرق زندگی مادی بوده و به معنویت کمتر توجه کند، و خدا و روز رستاخیز را به فراموشی بسپارد، چندان در خود احساس عاطفه به پدر و مادر نمی‌کند، بالاخص، توجه به آنان در دوران پیری مایه رنج و زحمت باشد.

در غرب، در زندگی مادی، محور، «لذت جویی» و «کامیابی» است، و این قبله هر انسان مادی می‌باشد، و هر چیزی را که مزاحم این هدف باشد، از پیش پای خود برمی‌دارد. جوان لذت خواه، آنگاه که به پدر و مادر سالمند می‌نگرد، احساس می‌کند، حفظ پیوند با

راه و رسم زندگی را به فرزندان بیاموزند تا در آینده سربار جامعه نباشند و شرافتمندانه زندگی کنند، ولی اگر این برنامه، در آغاز بلوغ فرزندان، انجام گیرد، پیوند فرزندان، از خانواده، به تدریج گسسته می‌شود.

امروز در غرب، والدین فکر می‌کنند، که به محض آن که فرزندان بتوانند، کار کنند، باید زندگی آنها را از خود جدا سازند. همین جداسازی زندگی ضربه شکننده‌ای بر پیوند خانوادگی وارد ساخته و کم کم از یکدیگر بیگانه می‌شوند چه بسا ماهها بگذرد که چهره پدر و مادر را نبینند و لذا در غرب ناچار شده‌اند، روزی را به عنوان روز «مادر» معین کنند تا آن روز فرزندان به زیارت مادران بروند که آن هم غالباً با شاخه گلی و یا یک جعبه شیرینی و جلوس یک ساعت در محضر مادر به پایان می‌رسد.

##### ۵. ضعف معنویت و غلبه مادیت

ایمان به خدا، و ایمان به روز رستاخیز و این که اعمال انسان در این جهان، در جهان دیگر آثار مثبت و منفی دارد نقش فراوانی در تحکیم خانواده

که هرگاه شهوت و لذت، محور زندگی قرار گرفت جوان در خود، نیازی به ازدواج و محدود ماندن در یک رابطه جنسی، احساس نمی‌کند.

با عرض معذرت، ورود ماهواره‌ها به خانواده‌ها در غرب، و امکان دست یابی به دیدن فیلم‌های محرک و مهیج جنسی که قلم از بیان آن، شرم دارد، خرمن ایمان و حیا را آتش زده و در دختران و پسران، چیزی از معنویت باقی نمی‌گذارد. آیا با این شرایط می‌توان، پیوند خانواده را حفظ کرد و عاطفه را پرورش داد؟

این نوع فیلم‌ها و نمایش‌ها کانال خوبی برای رسیدن به پارتی‌های شبانه و مختلط و هرج و مرج جنسی است که انسان را از مقام شامخ خود، تنزل دهد، و نگاه جوان، به دختر، نگاه «تر» به «ماده» خواهد بود، و آثار زیانبار آن، بر هیچ کس پوشیده نیست.

اسلام، نگاه زن و مرد را به یکدیگر نگاه دو «انسان» به یکدیگر و دو «شریک زندگی» می‌داند که پیوند آنها مایه سکونت و آرامش و مبدأ پیدایش فرزندان صالح است و آیات قرآن بر این معنی، گواهی می‌دهد، می‌فرماید:

آنان و به دوش کشیدن رنجهای آنها بر خلاف خواسته‌های درونی اوست، قهراً از آنها روی برتافته و آنها را فراموش می‌کند.

جوانی مسیحی در دیدار با امام صادق علیه السلام اسلام آورد و شرایط زندگی خود را برای امام صادق علیه السلام بیان کرد، آنگاه که از محضر حضرت، مرخص شد، حضرت به او فرمود: تا آنجا که می‌توانی به مادر خدمت کن. جوان پس از بازگشت به کوفه، خدمت خود را به مادر دوچندان کرد. مادر از علل افزایش خدمت پرسید، که قبل از مسافرت، در این حد نبود، او در پاسخ گفت: این از آثار دین جدید است، و امام من به من سفارش کرده است که به مادر، خدمت بیشتری کنم.

#### ۶. ترویج بی بند و باری جنسی در رسانه‌ها

مسئله ترویج بی بند و باری جنسی و اشاعه فیلم‌های مبتذل که در آن دختر و پسر به صورت وقیح و بیشرمانه مشغول رقص و کامیابی هستند، شهوت را در بیننده تحریک می‌کند. او هم خود را در این مسیر قرار می‌دهد. ناگفته پیداست

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾ (۱)

واز نشانه‌های خدا این است که همسرانی از خودتان برای شما آفرید، تا در کنار آنان آرامش بیابید، و در میانتان، مهر و رحمت قرار داد. در این، نشانه‌هایی برای گروهی است که می‌اندیشند.

#### ۷. قوانین و مقررات و نقش آنها در فروپاشی خانواده

در اسلام، مرد به عنوان سرپرست خانواده، و مدیر اجرایی معین شده که سخن او باید نافذ باشد، چرا؟ چون هزینه خانواده را می‌پردازد. از این جهت، ناچار است زندگی را طوری تنظیم کند که با درآمد او سازگار باشد. قرآن می‌فرماید:

﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ﴾ (۲)

«مردان سرپرست و نگهداران زنانند، به خاطر برتری‌هایی که خداوند از نظر حفظ نظام اجتماع برای برخی نسبت به برخی

دیگر، قرار داده و به خاطر انفاق‌هایی که از اموال خود می‌کنند.

بنابراین در تنظیم زندگی مادران و فرزندان، نظر مرد محترم است و باید از آن پیروی شود، ولی قوانین غربی، برای زنان و فرزندان آزادی‌های خاصی قائلند که اگر بر خلاف نظر سرپرست خانواده بخواهند کاری بکنند حق اعتراض را از پدر گرفته، حتی برای آنان حق اعتراض قائلند، و سرانجام همسر و فرزندان می‌توانند سرپرست خانواده را به دادگاه بکشند و محکوم به جریمه سازند.

با این قوانین ضد خانواده، انتظار بقای خانواده، انتظاری است بی‌جا و شما باید انتظار روزهای بدتری را نیز داشته باشید.

این بود، عصاره اهمیت خانواده در اسلام و رؤوس عوامل فروپاشی خانواده در غرب، و تفصیل آنها و بر شماری دیگر عوامل، به وقت دیگر موعول می‌شود.